

علم الصواليفق

١٦

اجماع ٩٣-٨-٢٦

دراست الاستاذ:
مهابي المادوي الطرابني

قَوَّامِينَ لِلَّهِ

- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمُنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَى أَلَا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (٨)
- وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ (٩)
- وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ (١٠)

رؤيه الله و رسوله و المؤمنون

- ٠ ٥٨٦ / ٤. عَلَىٰ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدِ الزَّيَّاتِ «١»، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبَا زَيْنَالْزَّيَّاتِ - وَكَانَ مَكِينًا عِنْدَ الرِّضَا «٢» عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ:
- ٠ قُلْتُ لِلرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: ادْعُ اللَّهَ لِي وَلِأَهْلِ بَيْتِي، فَقَالَ: «أَوْ لَسْتُ «٣» أَفْعَلُ؟ وَ اللَّهِ «٤»، إِنَّ أَعْمَالَكُمْ لِتُعْرَضُ عَلَىٰ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةً».
- ٠ (٢). في البصائر: «كان يُكنى عبد الرضا» و المذكور في بعض مخطوطاته «كان مكينا عند الرضا».

رؤيه الله و رسوله و المؤمنون

• قال «٥»: فاستعظمتُ ذلك، فقال لي: «أَمَا تَقْرَأُ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؟ وَ قُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرِي اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ؟»؟ قال: «هُوَ وَ اللَّهِ عَلَىٰ بْنُ أَبِي طَالِبٍ «٦» عليه السلام». «٧»

(نموذج شماره ١)

تاريخ علم اصول الفقه

المبادى التصورية

المبادى العامه

مبادى علم اصول الفقه
العامه

فلسفه علم
أصول الفقه

مناهج علم اصول الفقه

التعامل بين علم اصول
الفقه و ساير العلوم

أصول الفقه

المبادى الخاصه

المبادى التصديقية
(مبانى الاجتهاد الكلامية)

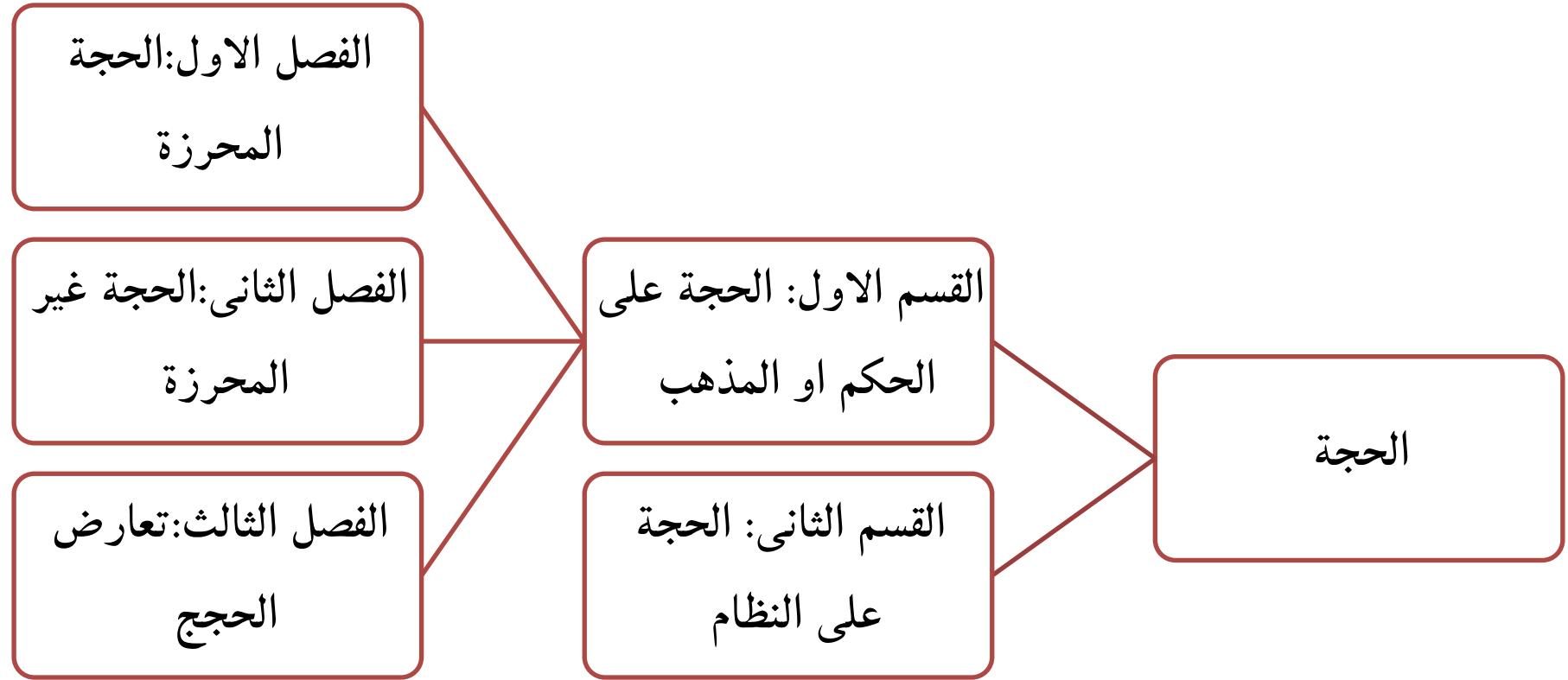
(نموذج شماره ٢)

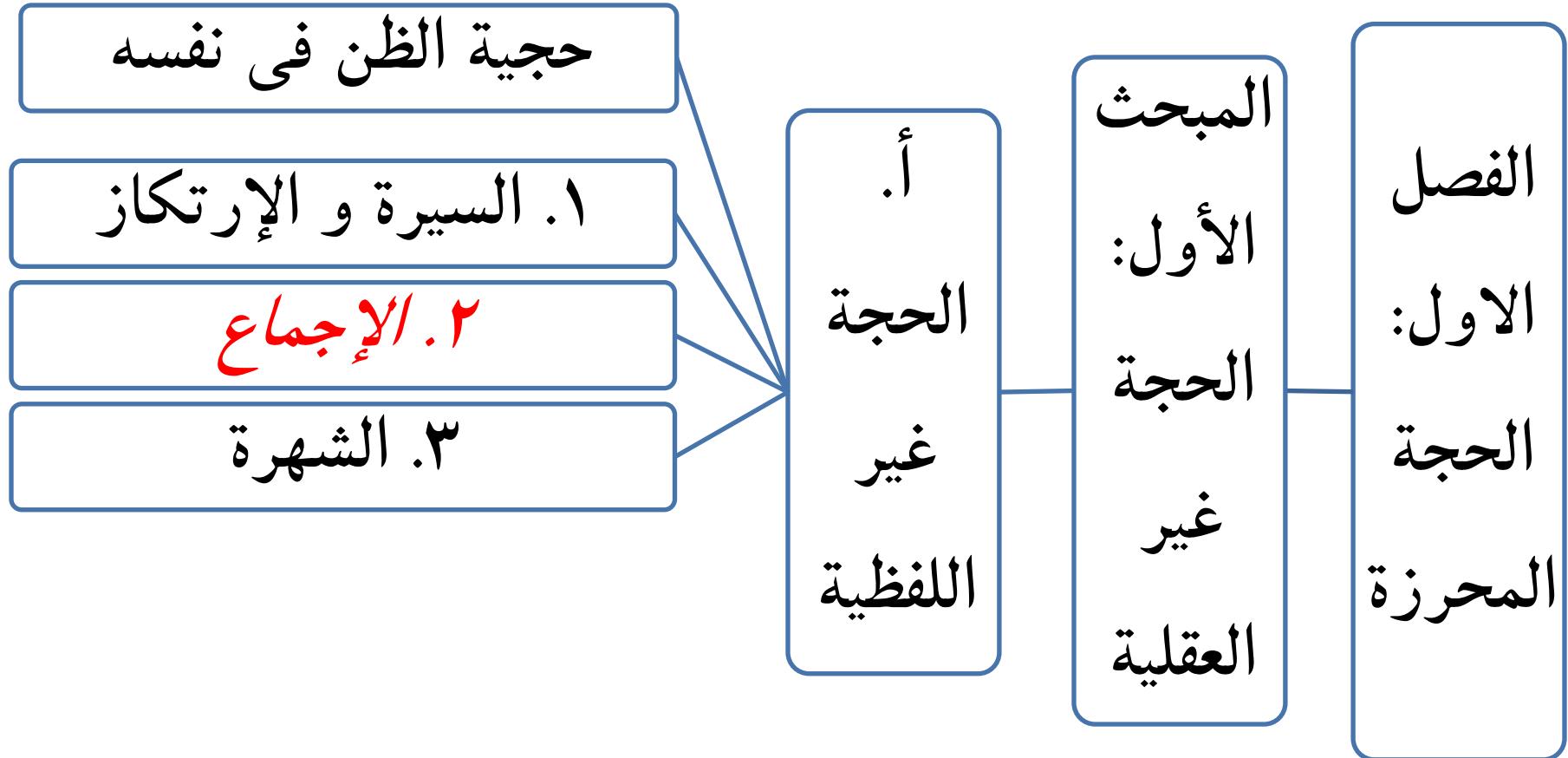
علم اصول الفقه

د/ مسات الاستاذ:

مهابي المادوي الطهري

علم اصول الفقه





ملاک حجیت اجماع در نظر شیعه

کاشف قطعی از
رأی معصوم

اجماع حجت

مبانی حجیت در اجماع بسیط

1. قاعدة
لطف

2. روايات

3. ملازمته

مبانی حجیت
اجماع

شروط کاشفیت اجماع از سنت

1. اشتغال بر فتاوای قدماء

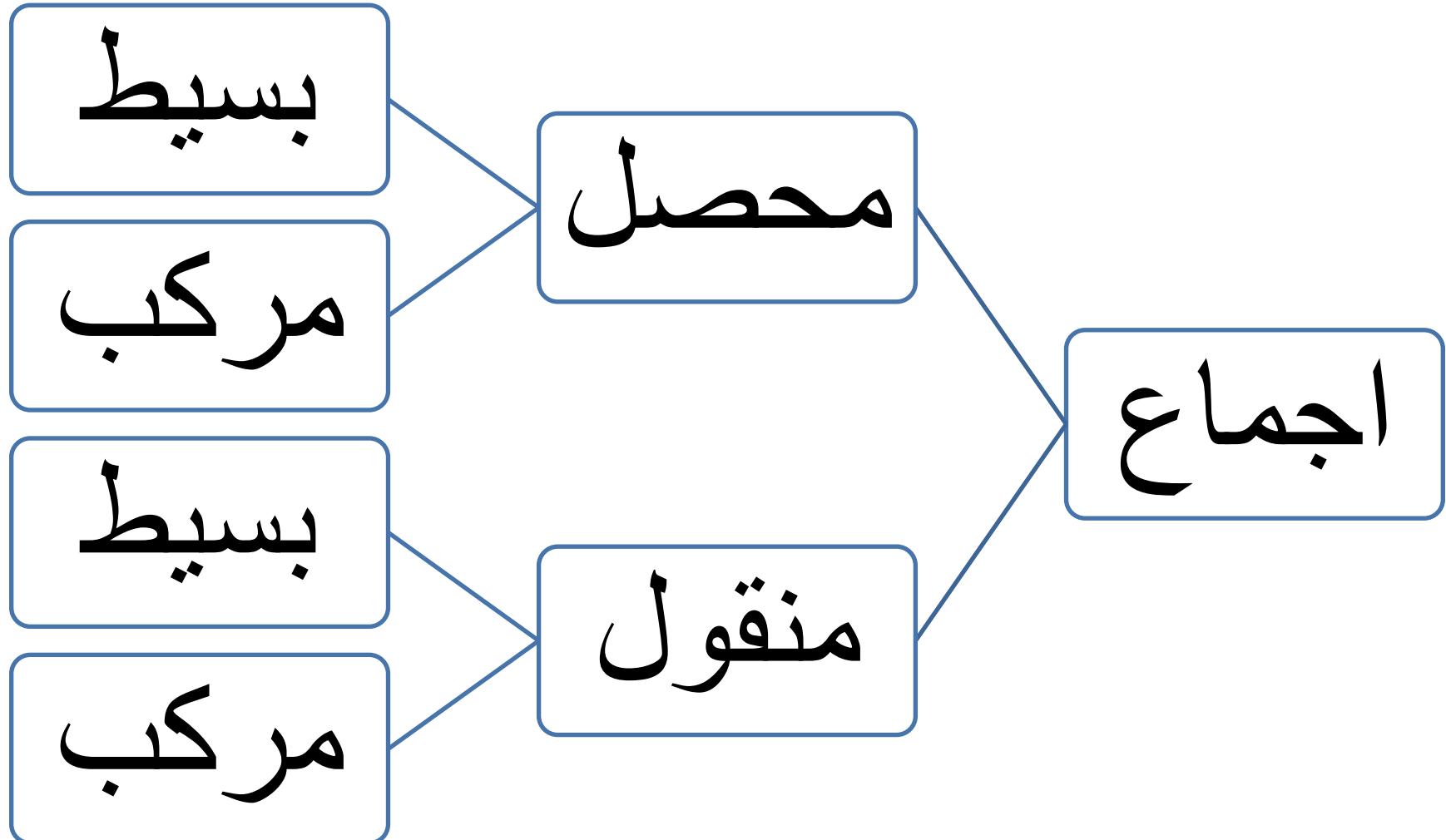
2. مدرکی نبودن اجماع

3. نبود ارتکاز مخالف اجماع

4. عدم استناد فتاوای مجمعین به دلیل عقل

5. خلاف احتیاط و قواعد بودن

شروط کاشفیت
اجماع از سنت



اجماع منقول

حجیت خبر واحد در
 موضوعات

اول: حجیت خبر واحد

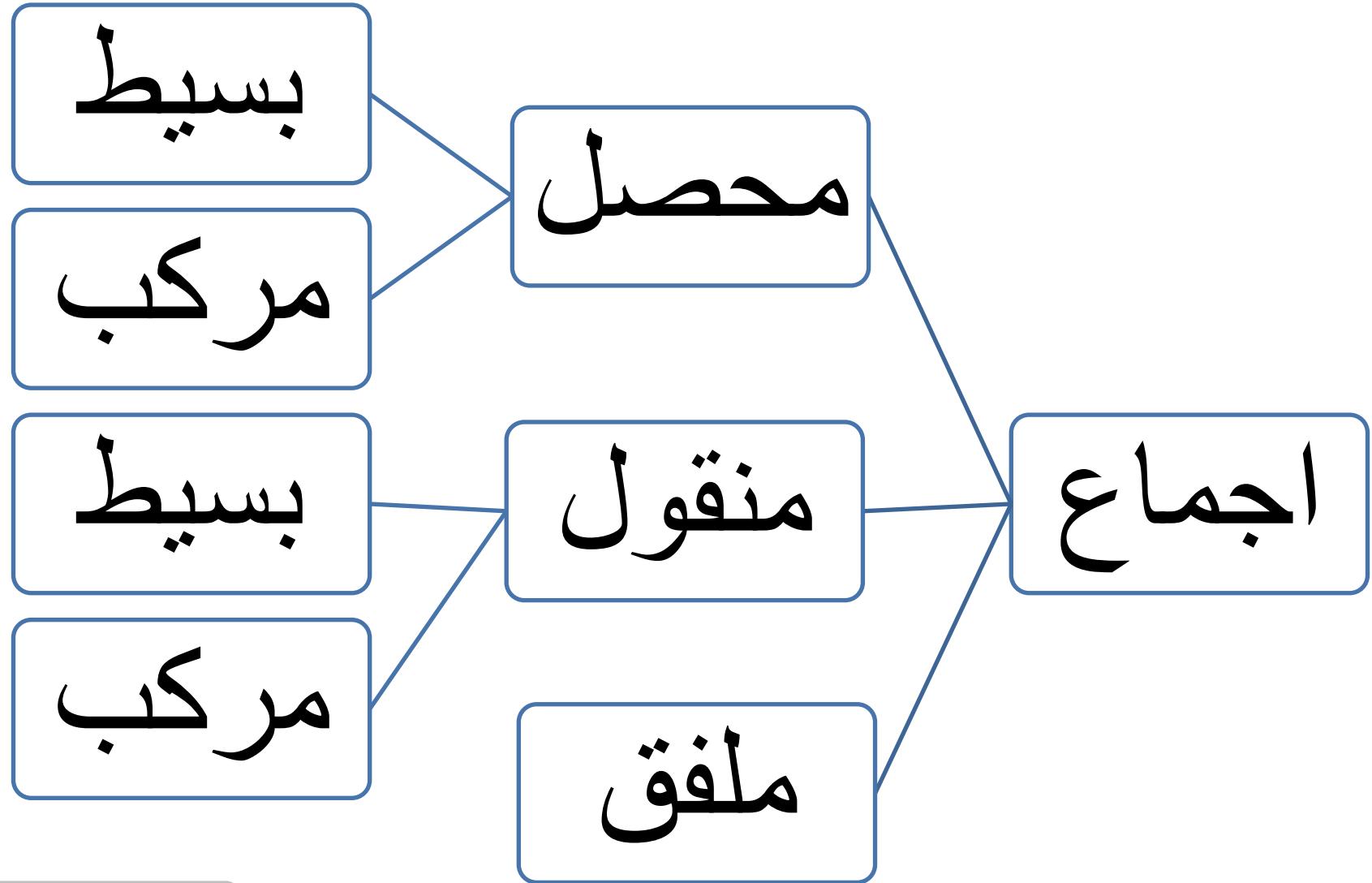
دوم: اجماع منقول اخبار حسی

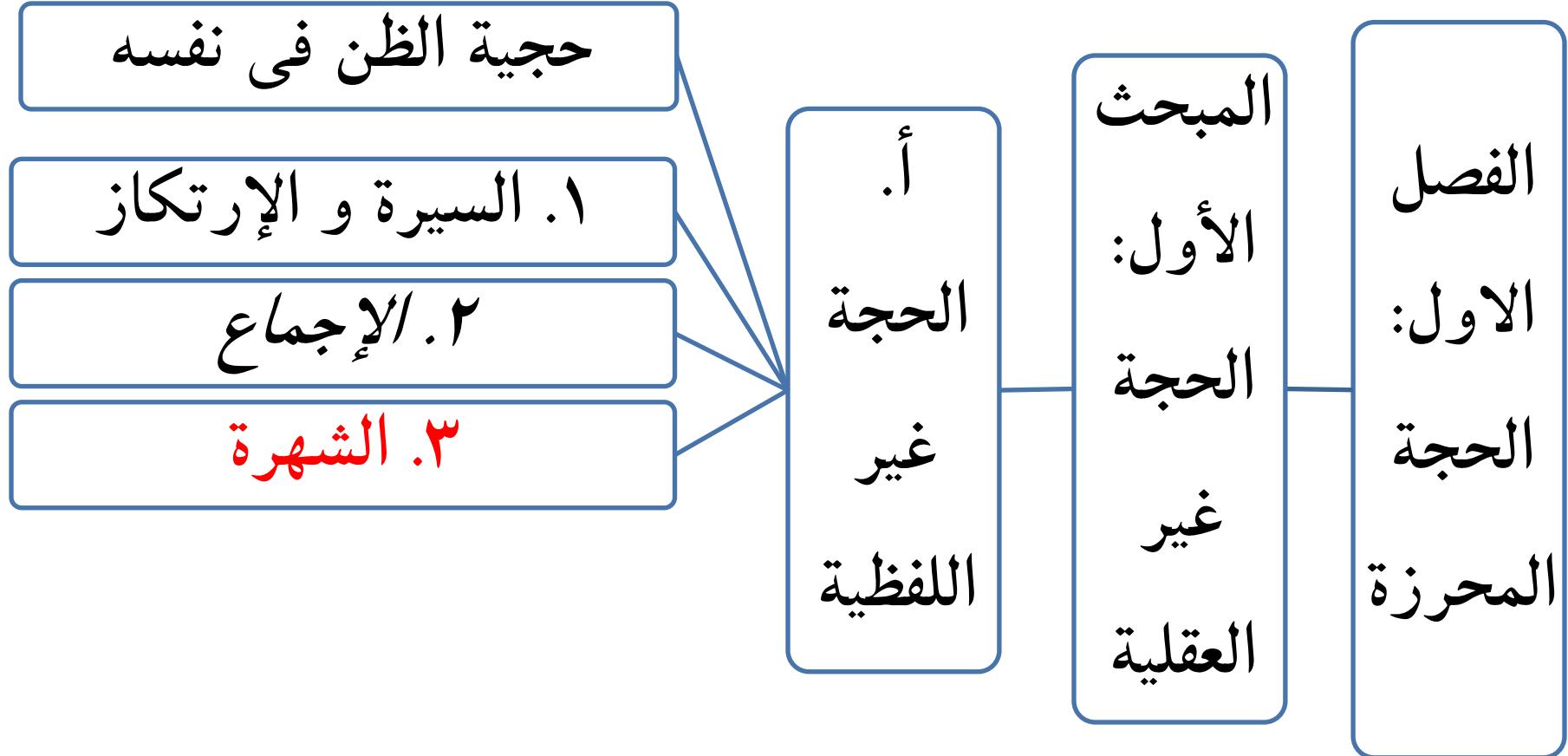
سوم: مفروض دانستن قاعدة أصلة الحس

چهارم: حجیت اجماع محصل

پنجم: دوری از تسامحات در نقل اجماع

پیش فرض های
حجیت اجماع منقول





شهرت

- شهرت در علم اصول فقه و فقه به سه معنا به کار می رود:
- شهرت روایی
- شهرت عملی
- شهرت فتوایی

شهرت

شهرت روایی

شهرت عملی

شهرت فتوایی

شهرت در علم
اصول فقه و فقه

شهرت روایی

- شهرت روایی
- شهرت روایی آن است که یک روایت توسط تعداد زیادی راوی نقل شود؛ چه به مضمون آن فتوا بدھند و چه ندھند؛ چه ناقلان اهلیت فتوا داشته باشند و چه نداشته باشند. در حقیقت شهرت روایی در حوزه نقل روایت است نه فتوایی که مستند به روایت است. گاهی از روایتی که به این معنا مشهور باشد، به مستفیض هم یاد می‌شود.

شهرت عملی

- شهرت عملی
- شهرت عملی آن است که مشهور فقهاء به یک روایت عمل کرده باشند؛ یعنی مستندشان در فتوا همین روایت باشد. ممکن است فتاوی فقهاء در عین استناد به یک روایت، مثل هم نباشد؛ چون استظهارشان از روایت با هم تفاوت داشته است.

شهرت عملی

- اگر در جایی **شهرت عملی** باشد می‌توانیم از این شهرت عملی به عنوان **جابر ضعف سند** استفاده کنیم؛ زیرا معلوم می‌شود که برای آن‌ها سندیت روایت محرز بوده است
- و اگر علاوه بر استناد به روایت، فتوای فقهایی که استناد کردند، یکی باشد، می‌توانیم آن را **جابر ضعف دلالت** در این روایت بدانیم؛ چون اینکه همه فقهاء از این روایت یک مطلب واحد (فتوای یکسان) را استظهار کردند، دلیل می‌شود که ظهور این روایت همین معنایی است که آن‌ها استظهار کردند.

شهرت فتوایی

- شهرت فتوایی
- شهرت فتوایی این است که اکثر فقها در یک مسأله خاص فتوای یکسان داشته باشند؛ البته ممکن است ادلة فتوا دهنگان با یکدیگر متفاوت باشند؛ زیرا ممکن است یک فقیه به استناد آیه فتوا داده باشد و دیگری به استناد روایت و سومی به استناد دلیل عقل و چهارمی به استناد یک ارتکاز عقلاًی و پنجمی به استناد اجماع.

مقاييسة انواع شهرت

شهرت
روایی

شهرت
عملی

شهرت
فتوا روایی